

«علوم تربیتی»

سال سوم - شماره ۱۱ - پاییز ۱۳۸۹

ص. ص. ۷۹ - ۹۲

بررسی رابطه سبک‌های هویتی و نقش تعهد هویت با میزان بهزیستی روان‌شناختی در دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه شهر تبریز

مریم رضائیان^۱
دکتر پرویز سرندی^۲

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی نقش سبک‌های هویت و تعهد هویت بر بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان انجام شد.

روش: در یک بررسی مقطعی، در نمونه‌ای متشکل از ۳۶۴ آزمودنی (۱۴۰ پسر و ۲۲۴ دختر)، پرسشنامه سبک‌های هویت و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی اجرا شد. روایی ابزارهای اندازه‌گیری از طریق اعتبار محتوایی و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گردید و با استفاده از تحلیل مسیر، اثرات مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های هویت بر تعهد هویت و مقیاس‌های ششگانه بهزیستی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری بر خودمختاری، تسلط محیطی، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود اثر مثبت و معنادار داشته و در مقابل سبک هویت سردرگم، اجتنابی بر موارد اشاره شده اثر منفی و معنادار داشته است ($p < 0.05$). اثر غیرمستقیم سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری از طریق تعهد بر مقیاس‌های خودمختاری، تسلط محیطی، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود مثبت و معنادار بوده؛ و اثر غیرمستقیم سبک هویت سردرگم، اجتنابی از طریق تعهد بر مقیاس‌های خودمختاری، تسلط محیطی، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود منفی و معنی‌دار می‌باشد ($p < 0.05$).

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

۲- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه روانشناسی، تبریز، ایران.

نتیجه‌گیری: در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد که اجتناب از مواجهه با مسائل مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد. همچنین نتایج نشان داد که نه تنها وجود تعهد بلکه شیوه مواجهه با تکالیف و موضوعات مربوط به هویت نیز در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان بسیار مهم است.

واژگان کلیدی: بهزیستی روان‌شناختی، سبک‌های هویت، تعهد هویت.

مقدمه

در دهه اخیر گرایش به بررسی جنبه‌های مثبت سلامت افزایش یافته است. ریف و کیز (۱۹۹۵) در دهه گذشته الگوی بهزیستی روان‌شناختی را پیشنهاد نمودند که بطور گسترده‌ای در جهان توسط پژوهشگرانی چون کلارک، مارشال، ریف و ویتون (۲۰۰۱)، دایرندوک (۲۰۰۵)، چنگ و چان (۲۰۰۵) و لیندفورس، برنستون و لوندبرگ (۲۰۰۶) بررسی گردید. بهزیستی روان‌شناختی یک مفهوم چند مؤلفه‌ای و دربرگیرنده: ۱- پذیرش خود؛ یعنی نگرش مثبت به خود و پذیرش جنبه‌های مختلف خود مانند ویژگی‌های خوب و بد و احساس مثبت درباره زندگی گذشته. ۲- روابط مثبت با دیگران: احساس رضایت و صمیمیت از رابطه با دیگران و درک اهمیت این وابستگی‌ها. ۳- خودمختاری: احساس استقلال و اثرگذاری در رویدادهای زندگی و نقش فعال در رفتارها. ۴- تسلط بر محیط: حس تسلط بر محیط، کنترل فعالیت‌های بیرونی و بهره‌گیری مؤثر از فرصت‌های پیرامون. ۵- زندگی هدفمند: داشتن هدف در زندگی و باور به این که زندگی حال و گذشته او معنی دار است. ۶- رشد شخصی: احساس رشد بادوام و دستیابی به تجربه‌های نو به عنوان یک موجود دارای استعدادهای بالقوه (ریف و کیز، ۱۹۹۵ و ریف، سینگر، ۱۹۹۸؛ به نقل از بیانی و همکاران، ۱۳۸۷). این الگو بطور گسترده در جهان مورد توجه قرار گرفته است (چانگ و چن، ۲۰۰۵). ریف این الگو را براساس مرور متون بهداشت روانی ارائه کرد و اظهار داشت مؤلفه‌های الگو، معیارهای بهداشت روانی مثبت است و این ابعاد کمک می‌کند تا سطح بهزیستی و کارکرد مثبت شخص را اندازه‌گیری کرد.

پژوهش‌های اجتماعی- شناختی زیادی (برزونسکی، ۲۰۰۳) نشان داده که بین پایگاه‌های هویتی و تعهد با بهزیستی روان‌شناختی رابطه وجود دارد. تعهد در نظر اریکسون، رفتار فرد را در موقعیت‌هایی که وسوسه می‌شود به شکل دیگری رفتار کند، ثبات می‌بخشد. تعهد هویت یک چارچوب ارجاعی از ارزش‌ها و باورهاست که ممکن است خودساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد (همان منبع).

براساس دیدگاه برزونسکی (۱۹۸۹) نوجوانان سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند، که شامل هویت اجتنابی سردرگم، اطلاعاتی و هیجانی است. افراد با هویت

موفق یا دیررس آنچه را که سبک اطلاعاتی نامیده می‌شود مورد استفاده قرار می‌دهند (به نقل از بیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). این افراد در برخورد با موضوعات مربوط به هویت، سنجیده عمل کرده و تلاش ذهنی زیادی نیز نشان می‌دهند؛ هدفمند به جستجو و ارزیابی مبادرت ورزیده و نسبت به اطلاعات مربوط به خود اعتماد و اطمینان لازم را نشان می‌دهند؛ نسبت به دیدگاه‌های خود موضعی شکاکانه اتخاذ کرده و مشتاقانه قضاوت خود را به تأخیر انداخته و در مواجهه با بازخورد ناهمساز، ابعاد خودساخته وجود خود را مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهند (برزونسکی، ۲۰۰۳). استفاده از سبک هویت اطلاعاتی با نیاز به شناخت، پیچیدگی شناختی، تعمق درباره خود، مقابله مسئله‌مدار، بهزیستی ذهنی، سازگاری، وظیفه‌شناسی و توافق رابطه مثبت نشان می‌دهد (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). افراد با هویت زودرس به کمک آنچه سبک پردازش هنجاری نامیده می‌شود، مشخص می‌شوند (برزونسکی و نیمیر، ۱۹۹۴؛ استریتیمیر، ۱۹۹۳ به نقل از بیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). این افراد با درونی کردن ارزش‌ها و باورهای «دیگران مهم» و به دلیل عدم استفاده از خودارزیابی‌های سنجیده، با موضوعات مربوط به هویت به صورت خودکار مواجه می‌شوند (برزونسکی، ۱۹۹۰). مطالعات نشان می‌دهند که افراد هنجاری، وظیفه‌شناس و سازگار هستند، احساس جهت‌گیری آشکاری از خود نشان می‌دهند و احساس مثبتی از بهزیستی دارند. اما این افراد در مواجهه با ابهام، تحمل کمی از خود نشان داده، نیاز بالایی نسبت به ساختار دارند و در برابر اطلاعاتی که نظام ارزش‌ها و باورهای فردی آنها را به چالش می‌کشد، بسته عمل می‌کنند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰).

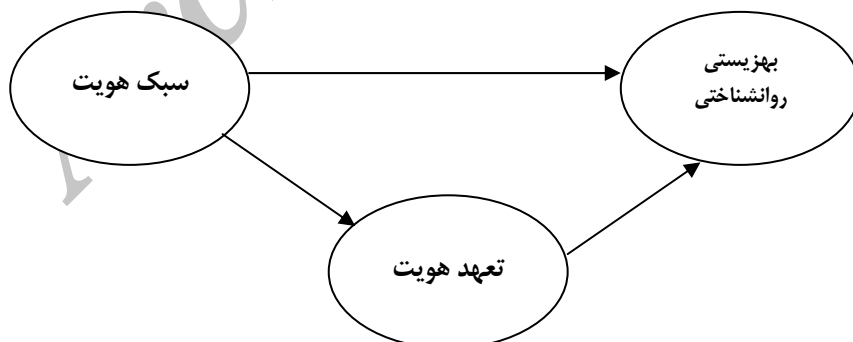
رویکرد اطلاعاتی با مقابله موفقیت‌آمیز با استرس و اضطراب، مقابله مسئله‌مدار و گشودگی رابطه مثبت و با جهت‌دهی توسط دیگران، اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، تفکر آرزومندانه و فاصله‌گیری عاطفی رابطه منفی نشان می‌دهد. جهت‌گیری سردرگم با کیفیت روابط همسالان، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس رابطه منفی و با اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، فاصله‌گیری عاطفی، جهت‌دهی توسط دیگران، راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی، مشکلات سوء مصرف مواد و الکل، روان رنجورخویی، واکنش‌های افسرده‌گون و اختلالات خوردن و سلوک رابطه مثبت نشان می‌دهد (برزونسکی، ۲۰۰۳). در حالی که رابطه بین جهت‌گیری اطلاعاتی با بهزیستی مثبت و رابطه بین جهت‌گیری سردرگم با بهزیستی منفی است، رابطه بین جهت‌گیری هنجاری و بهزیستی مرز مشخص و روشنی ندارد. بنابراین، سبک هویت هنجاری ممکن است مشابه با جهت‌گیری اطلاعاتی با رفتارهای کارآمد و یا مشابه با جهت‌گیری سردرگم با اجتناب هیجانی و اثرات ناتوان‌کننده اضطراب رابطه مثبت نشان دهد (برزونسکی، ۱۹۹۲). در نهایت برخلاف جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری با مقابله مبتنی بر مسئله و پذیرش به عنوان حوزه‌های هسته‌ای خود رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۱۹۹۰). در نهایت برخلاف جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری با مقابله مبتنی بر مساله و پذیرش به عنوان حوزه‌های اصلی خود رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۲۰۰۳). نتایج مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) نشان داد که دانشجویان با سبک اطلاعاتی در

مقایسه با دانشجویان با سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم در مقیاس‌های خودمختاری تحصیلی، خودبستگی، مهارت‌های مدیریت مؤثر زندگی، احترام و تحمل افراد متفاوت از خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس نمرات بالاتری گزارش کردند. همچنین در مقایسه با دانشجویان با سبک هویت سردرگم، دانشجویان با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های اهداف تحصیلی، واقع بینی، نقشه‌های طولانی مدت درباره زندگی و اهداف و روابط پایدار با همسالان خود نمرات بالاتری نشان دادند. نتایج پژوهش ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) نشان داد که اجتناب از مواجهه با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روانشناختی رابطه منفی دارد. در حالیکه وقتی فرد یا افراد با موضوعات هویت مواجه می‌شوند شیوه ترجیحی آنان در مواجهه با موضوعات هویت با اهمیت به نظر نمی‌رسد. نتایج پژوهش بوید و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد که سبک هویت سردرگم، اجتنابی با انتظارات منفی درباره موفقیت و عملکرد تحصیلی، رابطه مثبت، و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با انتظارات مثبت درباره موفقیت و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت نشان داد. برزونسکی (۲۰۰۳) سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم، اجتنابی را مشخص کرده است. سبک اطلاعاتی معرف جوانانی است که بطور فعال از طریق جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود احساس هویت را ایجاد می‌کنند. جوانان اطلاعات محور بطور فعال درباره خودپنداره‌های خود نگرشی انتقادی دارند و وقتی با اطلاعات متفاوت مواجه می‌شوند به آزمون تجدیدنظر و انطباق ساختار هویت خود و شرایط جدید تمایل دارند (برزونسکی، ۲۰۰۳). جهت‌گیری هویت اطلاعاتی با خوداکتشافی فعال، تصمیم‌گیری آگاهانه، خودمختاری و استقلال در قضاوت، سطوح بالاییچیدگی شناختی، نیاز بالا برای شناخت و قوت هویت شخصی همراه است (دوریز^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). سبک هویت هنجاری را جوانانی بکار می‌گیرند که استانداردهای مراجع قدرت و دیگر افراد مهم را درونی می‌کنند و با آن هماهنگ می‌شوند (برزونسکی، ۱۹۹۰). افراد هنجاری نسبت به اطلاعات تهدید کننده باورها و ارزش‌های خود بسته هستند، بطور انعطاف‌ناپذیر تعهدات هویت سازمان یافته‌ای را پذیرفته‌اند و تلاش می‌کنند به صورت دفاعی آن را نگه داشته- ادامه دهند و بطور پایدار متعهد هستند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰، برزونسکی، ۲۰۰۳).

در مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۵)، در حالیکه دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر روابط بین فردی صمیمانه‌تر و تحمل بیشتر عقاید دیگران را گزارش کردند، در مقابل پسران نسبت به دختران سبک زندگی سالم‌تری نشان دادند. نتایج مطالعه آنان همچنین نشان داد که دانشجویان با سبک اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان با سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم در مقیاس‌های خودمختاری تحصیلی، خودبستگی، مهارت‌های مدیریت مؤثر زندگی، احترام و تحمل افراد متفاوت از خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس نمرات بالاتری گزارش کردند. همچنین، در مقایسه با

دانشجویان با سبک هویت سردرگم، دانشجویان با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های اهداف تحصیلی، واقع‌بینی، نقشه‌های طولانی مدت درباره زندگی و اهداف و روابط پایدار با همسالان خود نمرات بالاتری نشان دادند. علاوه بر این، نتایج مطالعه فوق نشان داد که دانشجویان اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان سردرگم سالم‌تر بوده، از سبک زندگی بهتری برخوردارند.

نتایج پژوهش ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) نشان داد که اجتناب از مواجهه با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد، در حالیکه وقتی فرد یا افراد با موضوعات هویت مواجه می‌شوند، شیوه ترجیحی آنان در مواجهه با موضوعات هویت با اهمیت به نظر نمی‌رسد؛ به عبارت دیگر، بین افراد با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد. آدامز و کاران (۲۰۰۵) در بررسی ارتباط سبک‌های هویتی و مشکلات رفتاری مشاهده کردند که افراد با سبک سردرگم، اجتنابی بیش از دارندگان دو سبک دیگر مشکلات سازگاری مانند بزهکاری و اختلال‌های سلوکی نشان می‌دهند. پژوهش فارسی‌نژاد نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی و تعهد هویت به طور مستقیم و سبک هویت مغشوش/اجتنابی به طور غیرمستقیم (به واسطه تعهد هویت) قادر به پیش‌بینی و تبیین پراکندگی نمرات خودکارآمدی تحصیلی و سلامت اجتماعی هستند. شگری و همکاران، نتیجه گرفتند که سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد، استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران و هدف در زندگی اثر مثبت و معنی‌دار و سبک هویت هنجاری بر تعهد اثر مثبت و معنی‌دار و بر استقلال اثر منفی و معنی‌دار داشته و سبک هویت سردرگم، اجتنابی بر تعهد، استقلال، رشد فردی و هدف در زندگی اثر منفی و معنی‌دار دارد. براین اساس، به منظور پیش‌بینی احتمال وجود رابطه بین متغیرهای سبک‌های هویت و تعهد هویت با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی الگوی زیر برگزیده و پس از ارزیابی روابط متغیرها در قالب یک مدل علی (۱-۱) و سنجش معنی‌داری هریک از متغیرها، به برآورد ضرایب پرداخته شد.



مدل (۱) مدل الگوی علی روابط بین متغیرهای تحقیق

فرضیه تحقیق

بین سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) و تعهد هویت با بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ معیار اجرایی، کاربردی؛ از لحاظ زمانی جزء تحقیقات مقطعی و از لحاظ روابط بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد.

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در پایه دوم متوسطه در رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی در نواحی پنج‌گانه شهر تبریز می‌باشد.

نمونه آماری

در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که حجم نمونه ۳۶۴ نفر می‌باشد.

$$n' = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} \quad \text{در این فرمول:}$$

n' : حجم نمونه N: جامعه آماری $t=1/96$: ضریب اطمینان ۹۵٪

$d=0/05$: دقت احتمالی مطلوب $p=0/5$: نسبت صفت در جامعه $q=1-p$

شیوه نمونه‌گیری

در تحقیق حاضر از ترکیب شیوه‌ی نمونه‌گیری مطبق یا طبقه‌بندی شده و تصادفی به تفکیک جنسیت می‌باشد، نسبت دانش‌آموزان دختر و پسر را به کل دانش‌آموزان محاسبه و سپس با توجه به نسبت نمونه تخصیص داده شد. بدین ترتیب که از بین نواحی پنج‌گانه آموزش و پرورش تبریز، ناحیه‌های ۱، ۳ و ۵ انتخاب شد، از بین این ناحیه‌ها هم ۲ مدرسه دخترانه و پسرانه انتخاب و از هر مدرسه به نسبت حجم نمونه نمونه‌گیری بعمل آمد.

ابزارهای گردآوری اطلاعات

الف) پرسشنامه سبک‌های هویت (IAI_6G):

پرسشنامه سبک‌های هویت اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرآیندهای شناختی-اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی شد. براساس دیدگاه برزونسکی (همان منبع) نوجوانان سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند. این پرسشنامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم، اجتنابی را

مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل ۴۰ سؤال است. پاسخ هر سؤال بر روی یک طیف پنج درجه‌ای (کاملاً مخالف = ۱، مخالف = ۲، تا حدودی موافق = ۳، موافق = ۴، کاملاً موافق = ۵) مشخص می‌شود. ۱۱ سؤال از این پرسشنامه مربوط به هویت اطلاعاتی، ۹ سؤال مربوط به هویت هنجاری، ۱۰ سؤال مربوط به هویت سردرگم یا اجتنابی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به تعهد هویت است.

جدول (۱) سؤالات مقیاس‌های سبک هویت

مقیاس	سؤالات
هویت اطلاعاتی	۲-۵-۶-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۳۰-۳۳-۳۵-۳۷
هنجاری	۴-۱۰-۱۹-۲۱-۲۳-۲۸-۳۲-۳۴-۴۰
سردرگم یا اجتنابی	۳-۸-۱۳-۱۷-۲۴-۲۷-۲۹-۳۱-۳۶-۳۸
تعهد هویت	۱-۷-۹-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۲۰-۲۲-۳۹

* سؤالات ستاره‌دار معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

(ب) مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی (PWB):

در این پژوهش بمنظور بررسی بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان از مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) استفاده شد. در این مقیاس پاسخ به هر سؤال بر روی یک طیف شش درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) مشخص شد. هر مقیاس شامل ۱۴ سؤال بوده که ابعاد بهزیستی روان‌شناختی مدل ریف مشتمل بر پذیرش خود، تسلط محیط، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی، رشد فردی و استقلال را ارزیابی می‌کند. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه اصلی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی قابل قبول گزارش شدند.

اعتبار^۱ و پایایی^۲ ابزار اندازه‌گیری

در این تحقیق هدف اعتبار محتوایی پرسشنامه است که در آن به بررسی اجزا و شاخص‌های تشکیل دهنده ابزار اندازه‌گیری پرداخته می‌شود. پایایی سؤالات نیز با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردید.

- 1- Validity
- 2- Reliability

جدول (۲) پایایی پرسشنامه‌های سبک‌های هویت و بهزیستی روانشناختی و هریک از مؤلفه‌های آنها

مؤلفه‌ها	تعداد گویه‌ها	مقدار پایایی محاسبه شده
پرسشنامه سبک‌های هویت	۴۰	۰/۶۸
سبک هویت اطلاعاتی	۱۱	۰/۶۴
سبک هویت هنجاری	۹	۰/۶۷
سبک هویت سردرگم یا اجتنابی	۱۰	۰/۶۴
تعهد هویت	۱۰	۰/۶۳
پرسشنامه بهزیستی روان شناختی	۸۴	۰/۸۹
پذیرش خود	۱۴	۰/۶۶
روابط مثبت با دیگران	۱۴	۰/۶۵
خودمختاری	۱۴	۰/۶۲
تسلط بر محیط	۱۴	۰/۶۲
زندگی هدفمند	۱۴	۰/۷۲
رشد شخصی	۱۴	۰/۶۳

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۷ در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردید و برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده گردید.

نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای زمینه‌ای

جدول (۳) توزیع فراوانی دانش‌آموزان مورد مطالعه براساس جنسیت و رشته تحصیلی

متغیرها	فراوانی	درصد معتبر
دختر	۲۲۴	۶۱/۵
پسر	۱۴۰	۳۸/۵
کل	۳۶۴	۱۰۰
ریاضی	۷۷	۲۱/۲
تجربی	۲۰۴	۵۶
انسانی	۷۲	۱۹/۸
کل	۳۵۳	۹۷
بی‌پاسخ‌ها	۱۱	۳
کل	۳۶۴	۱۰۰

جدول (۴) توزیع پراکندگی میزان نمره سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی
دانش‌آموزان مورد مطالعه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
هویت اطلاعاتی	۳۶۴	۶۸/۰۲	۱۳/۳۵	۱۷۸/۳۴	-۰/۵۱۶	۲۵	۹۵/۴۵
هویت هنجاری	۳۶۴	۶۸/۸۱	۱۳/۸۴	۱۹۱/۶۰	-۰/۳۷۷	۲۲/۲۲	۹۷/۲۲
هویت اجتنابی	۳۶۴	۳۶/۷۹	۱۶/۳۹	۲۶۸/۹۰	-۰/۴۵۳	۰	۸۷/۵۰
تعهد هویت	۳۶۴	۷۲/۱۹	۱۳/۹۶	۱۹۴/۹۶	-۰/۳۹۶	۲۲/۵۰	۱۰۰
بهزیستی روان‌شناختی	۳۶۴	۶۱/۸۷	۹/۸۶	۹۷/۲۲	-۰/۳۰۵	۳۶/۱۹	۸۹/۲۹
پذیرش خود	۳۶۴	۵۸/۲۵	۱۲/۷۵	۱۶۲/۵۹	-۰/۰۳۱	۲۱/۴۳	۹۰
روابط مثبت	۳۶۴	۶۳/۸۷	۱۳/۵۶	۱۸۳/۹۴	-۰/۲۴۳	۳۲/۸۶	۹۵/۷۱
خودمختاری	۳۶۴	۵۴/۲۹	۱۱/۲۴	۱۲۶/۳۵	-۰/۱۶۱	۲۲/۸۶	۸۴/۲۹
تسلط بر محیط	۳۶۴	۶۰/۵۶	۱۱/۹۳	۱۴۲/۴۹	-۰/۰۸۱	۲۵/۷۱	۱۰۰
زندگی هدفمند	۳۶۴	۶۶/۸۷	۱۴/۴۸	۲۰۹/۸۶	-۰/۱۶۰	۲۸/۵۷	۹۷/۱۴
رشد شخصی	۳۶۴	۶۷/۴۰	۱۲/۷۳	۱۶۲/۰۹	-۰/۰۰۹	۳۵/۷۱	۹۷/۱۴

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین سبک هویت اطلاعاتی با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار؛ بین سبک هویت هنجاری با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار دارد؛ و بین سبک هویت سردرگم با مقیاس‌های استقلال، تسلط محیطی، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، پذیرش خود و هدف در زندگی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین تعهد هویت و مقیاس‌های ششگانه بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار بدست آمد. نتایج الگوی تحلیل مسیر نیز نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری هر کدام بر تعهد هویت و بهزیستی روان‌شناختی اثر مثبت و معنادار و سبک هویت سردرگم، اجتنابی بر تعهد هویت و بهزیستی روان‌شناختی اثر منفی و معنادار نشان داد. اثر غیرمستقیم سبک هویت اطلاعاتی از طریق تعهد هویت بر مقیاس بهزیستی روان‌شناختی مثبت و معنادار؛ اثر غیرمستقیم سبک هویت هنجاری از طریق تعهد هویت بر مقیاس بهزیستی روان‌شناختی مثبت و معنادار و اثر غیرمستقیم سبک هویت سردرگم، اجتنابی از طریق تعهد هویت بر مقیاس بهزیستی روان‌شناختی منفی و معنادار به دست آمد.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) درباره رابطه منفی بین سبک سردرگم و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی همسو و درباره رابطه مثبت سبک هویت اطلاعاتی با مقیاس‌های بهزیستی

ناهمسو است. به عبارت دیگر، نتایج پژوهش ولوراس و بوسما (همان منبع) نشان داد که اجتناب از موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی رابطه منفی نشان می‌دهد، در حالی که شیوه مواجهه افراد با مسائل مربوط به هویت اهمیت چندانی ندارد.

براین اساس، نتایج پژوهش حاضر تأکید می‌کند که نه تنها وجود یا عدم وجود تعهد بلکه شیوه مواجهه به موضوعات مربوط به هویت نیز اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. به عبارت دیگر، اگر صرف وجود تعهد برای تضمین بهزیستی افراد کافی بود، سبک هویتی هنجاری نیز مانند سبک اطلاعاتی، مقیاس‌های بهزیستی را پیش‌بینی می‌کرد.

نتایج پژوهش حاضر درباره رابطه منفی بین سبک‌های هویت سردرگم با بهزیستی روان‌شناختی، نقش میانجی‌گر عامل تعهد را مورد توجه قرار می‌دهد. بی‌تردید مفهوم تعهد جزء لاینفک وضعیت‌های هویت است. نتایج نشان دادند که افراد با هویت موفق در مقایسه با افراد با هویت مغشوش از بهزیستی بیشتری برخوردار هستند. افرادی که از دیدگاه‌ها و باورهای روشن و ثابت درباره خود و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند بی‌بهره‌اند، دنیا را بی‌نظم، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل تلقی می‌کنند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که شیوه انطباق مؤثر فردی و رفتارهای منظم شخصی از تعهدات مورد نظر تأثیرپذیر است (برزونسکی، ۲۰۰۳). تعهدات خود هم در ایجاد احساس هدفمندی و جهت‌دار بودن فعالیت‌ها مؤثرند و هم به عنوان معیارها و استانداردهایی برای افراد در نظر گرفته می‌شوند. فقدان تعهدات و اعتقادات پایدار، افراد را در یک وضعیت کاملاً آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. در واقع، مطالعات مختلف خاطر نشان می‌کنند که افراد سردرگم در مقایسه با همتایان اطلاعاتی و هنجاری خود، دچار رفتارهای متنوع مشکل‌آفرین و مشکلاتی نظیر اختلالات خوردن، الکل و مشکلات مرتبط با کارف روان‌رنجور خوبی، واکنش‌های افسرده‌گون و شروع زود هنگام مصرف مواد غیرمجاز و الکل می‌شوند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). لذا تبیین این موضوع که چرا شیوه مواجهه افراد با موضوعات مربوط به هویت مهم است نیز نیازمند توجه است. برزونسکی (۲۰۰۳) در تبیین این یافته بیان می‌کند که تعهدات هنجاری در مقایسه با تعهدات اطلاعاتی به احتمال زیاد درون مایه هیجانی دارند. اعتقاد به جهت‌گیری هنجاری ممکن است آنچه را که لانگر و همکاران (چانویتز و لانگر، لانگر، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) تعهدات شناختی زودرس می‌نامند، افزایش دهد. تعهدات شناختی زودرس بدون فکر و بدون پردازش و ارزیابی انتقادی از اطلاعات مربوط به خود افراد صورت می‌گیرد: این نوع تعهد مبتنی بر هیجان بوده که البته شواهد کمی از آن حمایت کرده است (لانگر، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳). در موقعیت‌های خود ساختار که در آن مشکلات، تقاضاها و معیارها نسبتاً ثابت و تعهدات نیرومند است، بایستی کارکرد مؤثر بدون توجه به اساس منطقی آن افزایش یابد. با این حال، تعهد مبتنی بر هیجان ممکن است در موقعیت‌هایی که به وسیله بی‌ثباتی و تغییر نسبی مشخص

می‌شوند مشکل‌آفرین باشد، به ویژه آن هنگام که کارکرد انطباقی به توانایی ارزیابی مجدد مسائل و نادیده گرفتن انتظارت قراردادی و مقابله به شیوه کارآمد و منعطف وابسته باشد.

نظریه ناهمخوانی خود هیگنز (به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) فرض می‌کند که خودگردانی از طریق ناهماهنگی‌های بین انواع متفاوت معیارهای خود که افراد در اختیار دارند، بوجود می‌آید. او خاطر نشان ساخته است که ناهمخوانی‌های بین آنچه افراد فکر می‌کنند باید انجام دهند - معیارهای هنجاری - و اینکه آنها چگونه عمل می‌کنند در ایجاد احساسات گناه و تنفر از خود مؤثر بوده (هیگنز، کلاین و استرامن، ۱۹۸۵، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) و در نهایت بر انگیزتن خودکنترلی مبتنی بر احتیاط نیز اثرگذار بنظر می‌رسند (هیگنز، به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳). افراد با خودکنترلی مبتنی بر احتیاط، از اینکه بخواهند پاسخگو باشند احساس نگرانی می‌کنند و وظایف خود را در حالی که با معیارهای هنجاری مشخص می‌شوند، انجام می‌دهند. این افراد به امنیت بالایی نیاز دارند و در تلاش هستند که همواره از تجربه شکست، اشتباه و خسران بپرهیزند. آنها برای پیروز شدن بازی نمی‌کنند بلکه برای جلوگیری از تجربه شکست و بازنده شدن بازی می‌کنند (همان).

در مقابل، ناهماهنگی‌های بین ملاحظات فردی مبتنی بر اطلاعات درباره اینکه یک فرد به طرز ایده‌آل دوست دارد چگونه باشد و اینکه در عمل چگونه است نیز در ایجاد احساسات ناامیدی و نارضایتی مؤثر است. ناهمخوانی‌های خود واقعی و خود ایده‌آل با آنچه هیگنز «خودکنترلی مبتنی بر ارتقاء» می‌نامد در ارتباط است. این افراد متمایلند که به اهداف و معیارهای مهم خود دست یافته و برای تجربه پیروزی به استقبال خطر روند (همان).

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر بر این نکته تأکید می‌کند که بهزیستی روان‌شناختی نه تنها به مواجهه با مسائل مربوط به هویت بلکه به شیوه مواجهه با مسائل مربوط به هویت وابسته است. به عبارت دیگر، از نقطه نظر بهزیستی روان‌شناختی، بین افرادی که به جستجوی سؤالات هویتی خود می‌پردازند و کسانی که تنها به پذیرش هنجارها تن می‌دهند تفاوت زیادی وجود دارد. بی تردید نتایج پژوهش حاضر همسو با ادبیات پژوهش بر نقش با اهمیت تعهد هویت تأکید می‌کند. اما اهمیت آن به شیوه‌های متفاوتی قابل ردیابی می‌باشد.

از جمله محدودیت‌های این تحقیق این بود که آزمودنی‌های این پژوهش از بین دانش‌آموزان انتخاب شدند بنابراین نتایج آن قابل تعمیم به سایر اقشار جامعه نمی‌باشد. همچنین در این پژوهش ابزار پژوهشی پرسشنامه بود و از سایر روش‌ها مثل مشاهده و مصاحبه استفاده نشده است.

در پایان با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادهای ذیل توصیه می‌شود: آموزش به والدین و دست اندرکاران تعلیم و تربیت در زمینه فراهم‌سازی شرایط پرورش و رشد هویت دانش‌آموزان.

- معرفی مبحث سبک‌های هویت توسط مشاورین مدارس به دانش‌آموزان و همچنین آشنایی والدین دانش‌آموزان در جلسات آموزش خانواده با این مباحث.
- شناسایی سبک‌های هویت نوجوانان و کمک به آنها جهت پیشگیری از بروز مشکلات ناشی از بحران هویت در دوران جوانی و بزرگسالی.
- ایجاد و گسترش مراکز مشاوره در سطح مدارس برای کمک به دانش‌آموزان دارای سبک هویتی سردرگم یا اجتنابی و افزایش میزان بهزیستی روانشناختی آنان.
- فراهم نمودن شرایط مناسب به منظور ارتقاء سطح بهزیستی روانشناختی و پیشرفت دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی‌های آموزشی.

مآخذ

- بیانی، ع. و همکاران (۱۳۸۷). روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف، **مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران**، سال چهاردهم، شماره ۲، ص ص ۱۵۱-۱۴۶.
- فارسی‌نژاد، م (۱۳۸۳). **بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان‌های شهر تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.**
- فرتاش، س (۱۳۸۴). رابطه سبک‌های هویت و تعهد با کیفیت دوستی با توجه به نقش جنس و پایگاه اجتماعی-اقتصادی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.**
- ماسن، هنری پاول و دیگران (۱۳۷۰). **رشد و شخصیت کودک**، مترجم: شهید پاشائی، تهران: نشر مرکز.
- Berzonsky, M.D., (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. **Journal of Adolescent Research**, 4,267-281.
- Berzonsky, M. D., (1990). Self-construction over the lifespan: A process perspective on identity formation. In G. J., Neimeyer & R. A., Neimeyer (Eds.). **Advances in Personal Construct Psychology** (vol. 1, pp. 155-186). Greenwich CT: JAI.
- Berzonsky, M. D., (1992). Identity style and coping strategies. **Journal of Personality**, 60, 771-788.
- Berzonsky, M. D., (2002). Identity processing styles, selfconstruction, and personal epistemic assumptions: A Social-cognitive perspective. **Paper presented in the workshop "Social Cognition in Adolescence: It's Developmental Significance"**, Groningen, the Netherlands.
- Berzonsky, M. D., (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? **Identity: An International Journal of Theory and Research**, 3(2), 131-142.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R., (1996). Identity orientation and decisional strategies. **Personality and Individual Differences**, 20, 597-606.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L., (2000). Identity status and identity processing style, and the transition to university. **Journal of Adolescent Research**, 15(1), 81-98.

- Berzonsky, M. D., & Kuk, L.S., (2005). Identity style, psychological Maturity, and academic performance *Personality and Individual Differences*, 39, 235-247.
- Berzonsky, M. D., & Neimeyer, G. J., (1994). Ego identity status and identity processing orientation: The moderating role of commitment. **Journal of Research in Personality**, 28, 425-435.
- Berzonsky, M. D., & Sullivan, C., (1992). Social cognitive aspects of identity style: Need for cognition, experiential openness, and introspection. **Journal of Adolescent Research**, 7, 140-155.
- Cheng, S., & Chan, A., (2005). Measuring psychological well-being in the Chinese. **Personality and Individual Differences**, 38, 1307-1316.
- Erickson EH., (1968). Identity youth and crisis. **New York: Norton**.
- Marcia JE., (1966). Development and validation of identity status. **Journal of Personality & Social Psychology**; 3:551-8.
- Ryff, C. D., & Singer, B., (2002). From social structure to biology: Integrative science in pursuit of human health and well-being. In C. R. Snyder, & S. J. Lopez (Eds.). **Handbook of Positive Psychology** (pp. 541-554). Oxford: University Press.
- Schwartz SJ.,(2001). The evolution of Ericsonian and neo-Ericsonian identity theory and research: A review and integration. **International Journal of Theory & Research**; 1:7-58.
- Streitmatter, J., (1993). Identity status and identity style: A replication study. **Journal of Adolescence**, 16, 211-215.
- Vleioras, G., & Bosma, H. A., (2005). Are identity styles important for psychological well-being? **Journal of Adolescence**, 28 (3), 397-409.
- Jones, R. M., Ross, C. N., & Hartmann, B. R., (1992). An investigation of cognitive style and alcohol/work-related problems among naval personnel. **Journal of Drug Education**, 22, 241-251.
- Wheeler, H. A., Adams, G. R., & Keating, L., (2001). Being eating as a means for evading identity issues: The association between an avoidance identity style and Bulimic behavior. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1, 161-178.